

# بررسی و تحلیل ورود کشتیهای روسیه به خلیج فارس (قرن نوزدهم میلادی)

دکتر علی اکبر جعفری<sup>۱</sup>

لیلا کاوه چلچله<sup>۲</sup>

## چکیده

خلیج فارس بدلیل اهمیتی که در مناسبات اقتصادی و اجتماعی دارد از زمانهای بسیار دور مورد توجه دولتها و اقوام بوده است. اوج این توجه با رویکردهای جدید را از زمان رنسانس به بعد میتوان دید. حضور دولتهای قدرتمند اروپایی در خلیج فارس با نوعی رقابت، بین آنها همراه بود. به همین دلیل در قرن نوزدهم میلادی که عصر جدید رقابت بین آن دولتها بود، این منطقه آبی نیز عرصه ظهور این رقابتهای شد و کشتیهای روسی در شرایط جدید به خلیج فارس آمدند. حضور کشتیهای روسی در این آبراه مهم، اگرچه دلایل متعددی دارد؛ اما آنچه در این میان حائز اهمیت است، تطبیق بین اهداف تاریخی آنها و منافع جدیدی بود که بدنبال آن بودند. همین مسئله موجب شد، فعالیت روسها در بوشهر و آمد و رفت کشتیهایشان در خلیج فارس، در حلقه مشکلات این منطقه در قرون نوزدهم و بیستم میلادی تبیین شود. در پژوهش حاضر ورود کشتیهای روسی به خلیج فارس در قرن نوزدهم میلادی بررسی و تحلیل میشود. در نهایت هم به نتایج این ورود و حضور در این آبراه مهم پرداخته خواهد شد. پژوهش پیش رو از نوع مطالعات تاریخی و جمع آوری داده هاست که بشیوه مطالعات کتابخانه‌یی انجام شده است.

## کلید واژگان

خلیج فارس؛ روسیه؛ قرن نوزدهم؛ رقابت دریایی؛ تجارت

۱. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان.

۲. کارشناس ارشد تاریخ (مطالعات خلیج فارس)، دانشگاه اصفهان.

## مقدمه

دریاها و آبراههای گرم و آزاد، نقش مهمی در توسعه روابط انسانها و گسترش تمدنهای داشته‌اند؛ بگونه‌یی که با نوعی خاص از تمدن باعنوان تمدنهای آبی، روبرو هستیم. بنابراین دریاهایی از این قبیل که مراکز تمدنی در کنار آنها قرار داشته‌اند، در مطالعات تاریخ و تمدن از اعتبار و ارزش بیشتری برخوردارند. خلیج فارس نمونه مشخصی از این دریاهاست.

بررسی اجمالی تاریخ خلیج فارس نشان میدهد که این آبراه حیاتی، از کهن روزگار تا زمان حاضر از معابر پررفت و آمد کشتیها محسوب میشده است. نتیجه این ویژگی را در وجود اطلاعات ارزشمند از پیشینه این دریا و ساکنین پیرامون آن و تمدنهای مرتبط با آن و آثار بازمانده از این گذشته درخشان میتوان دید. علاوه برین، اهمیت و جایگاه خلیج فارس، در حجم وسیعی از تعاملات و تعارضات شکل گرفته، بین ساکنین اطراف این دریا با از راه رسیدگان و نیز بین مسافران؛ تاجران؛ کمپانیها و دولتهای مدعی سهم و حق، در این دریا با یکدیگر قابل توجه است. این موضوع، خلیج فارس را به دریایی پر از تنش و بحران در طول تاریخ، بویژه در قرون اخیر، تبدیل نموده است. بعد از ورود پرتغالیها به این آبراه مهم (اوایل قرن شانزدهم میلادی/دهم هجری قمری) همواره خلیج فارس عرصه جولان دولتها و قدرتهای بزرگ بوده است. این مسئله در این دریا بگونه‌یی بوده که حتی کشورهایی هم که به هر دلیل، با تأخیر بدان وارد شده‌اند، از این فرایند دور نمانده، همواره چنین سرنوشتی را برای آن رقم زده‌اند.

خلیج فارس در اواخر قرن نوزدهم میلادی، با باز شدن کانال سوئز عملی شد. روسها از سال ۱۸۷۴ م. براساس معاهده «کوچوک کاینارجا»<sup>۳</sup> امتیاز عبور کشتیهای خود را از تنگه‌های «بسفر و داردانل» و ورود به مدیترانه از عثمانی بدست آوردند؛ اگرچه روسها از «ولادی وستک»<sup>۴</sup> در ساحل اقیانوس آرام و یا از مسیر «بالتیک»؛ مدیترانه؛ غرب آفریقا و «دماغه امید نیک»<sup>۵</sup> نیز قادر به فرستادن کشتی به اقیانوس هند و خلیج فارس بودند؛ اما تلاشی از سوی آنان در این راه صورت نگرفت و مسیر کوتاه کانال سوئز، این امکان را برای آنها فراهم نکرد. **سدیدالسلطنه** بدون ذکر دقیق مسیر این کشتیها فقط به این موضوع اشاره میکند که کشتیهای تجاری روسی با پرچم این کشور در خلیج فارس و از «ادسا» به بصره درحال تردد بودند و «با چابکی وظایف سیاسی و تجارت خود را در خلیج فارس انجام دادند» (سدیدالسلطنه، ۱۳۴۲: ۶۴۸).

از دهه ۱۸۹۰م. در حالی که انگلستان با بهره‌وری از توان صنعتی وسیع، قدرت برتر اروپا در خلیج فارس بشمار می‌آمد، رقیب اصلی او یعنی روسیه، بقصد تهدید هند، وارد خلیج فارس شد. روسها در این راستا، ابتدا چند مسافر و کشتی جنگی به خلیج فارس روانه کردند و سپس چند کنسولگری و دفتر بازرگانی در اطراف این آبراه مهم گشودند (وادلا، ۲۵۳۶: ۵۲). انگلستان نیز بموازات این تلاش روسها دست به اقداماتی زد. به‌همین منظور، انگلیس در ابتدای قرن بیستم با انعقاد پیمانهای متعدد با شیوخ حوزه خلیج فارس و بظاهر با برعهده گرفتن امنیت این شیخ‌نشینها، مشروط به خودداری آنها از انعقاد قرارداد با دیگر دولتهای اروپایی، سعی در حفظ قدرت خود در خلیج فارس کرد. علاوه‌برین انگلستان با درخواست روسیه مبنی بر ایجاد پایگاه در خلیج فارس و داشتن خطوط کشتیرانی برای حمل و نقل کالا و مسافر نیز مخالفت کرد.

برتری بلامنازع انگلیسیها در خلیج فارس را از نامی که آنها برای این دریا بکار میبردند، میتوان دریافت؛ آنها از خلیج فارس

تاریخ خلیج فارس در قرن نوزدهم میلادی، بدلیل مسائل و تحولات جهانی، بویژه رقابتهای شدید بین روسیه؛ انگلستان و فرانسه، در عرصه بین‌الملل، موضوع مهمی در بررسیهای تاریخ این دریا محسوب میشود. اهمیت این مسئله بقدرت بلامنازع و بسیار زیاد و برتری انگلیس در این دریا و تلاش روسیه و در مقطعی فرانسه، برای مقابله با این برتری انگلیس باز میگردد؛ موضوعی که حضور جدیتر این دولتها و حتی سایر دولتهای اروپایی را در خلیج فارس بهمراه داشت. در این راستا، بررسی فعالیتهای کشتیهای روسی در خلیج فارس در قرن نوزدهم میلادی، بدلیل وجود ریشه‌های تاریخی این هدف و ادعای وصیت پتر کبیر، برای این مهم و نیز درگیریهای ایران با روسیه در منطقه قفقاز که کمتر مورد توجه محققین قرار گرفته از اهمیت ویژه‌ی برخوردار است؛ اگرچه تلاش روسیه برای دستیابی به خلیج فارس بمنظور رسیدن به هند و بچالش کشیدن برتری انگلیسیها در مستعمره‌های طالبی‌شان، یعنی هند، مورد توجه و تأکید محققین بوده است. بنابراین نوشتار پیش‌رو، به بررسی ورود کشتیهای روسیه به خلیج فارس و پیامدهای حضور روسها در قرن نوزدهم میلادی و معادلات آینده جهان و خلیج فارس نظر دارد. اگرچه بررسی فعالیتهای روسها در قرن بیستم میلادی، بویژه در دو دهه اول این قرن و پیامدهای آن خارج از موضوع این مقاله است و یک پژوهش مستقل را میطلبد.

### دلایل و اهداف حضور روسها در خلیج فارس

روسها از اواخر سده نوزدهم میلادی فعالیت خود را در خلیج فارس آغاز کردند. خلیج فارس برای آنها دریایی با آبهای گرمی بود که سالیان دراز، آرزوی آن را در سر میپروراندند تا روزی از ایران عبور کرده و به اقیانوس هند دست یابند (وادلا، ۲۵۳۶: ۵۲). از سوی دیگر، انگلستان درصدد بود به هر شیوه ممکن، خلیج فارس و دسترسی بدان را برای سایر دولتها از جمله، روسیه محدود کند و آن را بعنوان یک دریای بطور کامل انگلیسی باقی نگهدارد. انگلستان برای فعالیت تجاری سایر کشورهای اروپایی محدودیتی قائل نبود، اما فعالیتهای سیاسی و نظامی قدرتهای بزرگ اروپایی از جمله، روسیه با واکنش جدی دولتمردان انگلیسی مواجه میشد (حسن‌نیا و ططری، ۱۳۹۱: ۳۰۶). حضور کشتیهای روسی در

3. Kuchuk Kaynarja.

4. Vladi vostok.

5. Cape of Good Hope.

در بند ۹ وصیتنامه پتر کبیر آمده است: «نزدیک شدن به قسطنطنیه و هند را حتی المقدور برای خود لازم و واجب شمارید؛ چون که از قضایای مسلم است که هر کس بر قسطنطنیه و هندوستان دست یابد، فرمانروای حقیقی جهان خواهد بود؛ بنابراین لازم است، جنگهای پی‌درپی و بی‌انقطاع نه تنها با دولت عثمانی، بلکه با دولت ایران ایجاد کنید و بتدریج در ضبط دریای سیاه بکوشید ... در این موقع برای شما لازمتر از همه چیز است که بضعف و نابودی دولت ایران کوشش و تقلا نموده، هر قدر ممکن شود، خود را زودتر به خلیج فارس برسانید و تجارت مشرق را چنان که در بلاد شام رواج داشته به بخارا بازگردانید تا بدان وسیله به هندوستان که انبار جهان است، نزدیک شده و بدین ترتیب از طلای انگلیس بی‌نیاز و مستغنی از تمام گنجهای دنیا خواهید شد» (ورهرام، ۱۳۸۵: ۳۳۸-۳۳۷).

برای دستیابی به این اهداف، روسیه تمام توان خود را بکار برد تا هم بر ایران تسلط پیدا کند و هم عثمانی را تحت نفوذ خود درآورد و نیز بر افغانستان چیره شود. به همین منظور، روسیه با تحمیل دو دوره جنگ بر ایران، بخشهای وسیعی از قلمرو ایران را در منطقه به تصرف خود درآورد. روسها پس از انعقاد عهدنامه‌های گلستان (۱۸۱۳ م. / ۱۲۲۸ ه.ق.)، ترکمانچای (۱۸۲۸ م. / ۱۲۴۳ ه.ق.) و آخال (۱۸۸۱ م. / ۱۲۹۷ ه.ق.)، حالت تهاجمی خود را نسبت به ایران از دست داده و تلاش کردند تا هر چه بیشتر، موقعیت خود را در سرزمینهای تحت تصرف خود افزایش دهند. این امر در سیاست کلی آنها در خلیج فارس نیز تأثیر گذاشت (الهی، ۱۳۸۸: ۲۴۰).

در اوایل قرن بیستم میلادی / چهاردهم هجری قمری، برای نخستین بار روسها استقرار و گسترش نفوذ خود را در خلیج فارس در دستور کار دیپلماسی خود قرار دادند. حضور فعال آنها در خلیج فارس، فشار بر انگلستان را افزایش میداد؛ زیرا علاوه بر تهدید علیه هندوستان، روسها خواهان کسب امتیاز از انگلیس در سایر نقاط دنیا نیز بودند (وثوقی، ۱۳۸۴: ۴۶۶).

هدف اصلی روسیه در خلیج فارس، ایجاد یک پایگاه دریایی در خلیج فارس بود. همچنین این دولت کشیدن

با نام «دریای خودمان»<sup>۶</sup> یاد میکردند. سیطره و نفوذ انگلستان در خلیج فارس مشخص و واضح بود. در سال ۱۹۰۰ م. / ۱۳۱۷ ه.ق. از مجموع ۳۲۷ کشتی بخار که در خلیج فارس رفت و آمد میکردند، بجز شش کشتی، بقیه متعلق به انگلستان بود و دو سوم کالاهای وارد شده به منطقه خلیج فارس از انگلستان و هند بود. همین عوامل سبب شد تا موضوع مراقبت از خلیج فارس بطور عمده، توسط لرد کرزن<sup>۷</sup> نایب‌السلطنه هند، بمنظور جلوگیری از نفوذ روسیه به خلیج فارس مورد توجه انگلستان قرارگیرد (حسن‌نیا و ططری، ۱۳۹۱: ۳۰۸). کرزن مدعی بود:

«بدون تردید سیاست انگلستان در هند با برتریش در خلیج فارس بهم گره خورده است و اگر سلطه خود را در خلیج فارس از دست دادیم، حکومتمان در هند نیز پایدار نخواهد بود. افزون بر پاسداری از تجارت خلیج فارس و تأمین صلح در این آبراه، باید از ورود قدرتهای اروپایی که میتوانند هند را تهدید کنند، جلوگیری نمود. من توصیه میکنم که دادن هیچ بندری نه به روسیه و نه به هیچ کشور دیگری در خلیج فارس بنفع انگلیس نیست» (کرزن، ۱۳۶۲: ۱۲۴/۲).

بر این اساس، ورود به خلیج فارس و کسب برتری در این دریا برای روسها یک هدف دیرینه محسوب میشد و انگلیسیها نیز بخوبی بدان آگاه بودند و برای برخورد با آن تلاش جدی داشتند.

زامداران روسیه، براساس وصیتنامه پتر کبیر، یکی از راههای تبدیل شدن بقدرت جهانی و امکان مقابله با رقبای دیگر را، دست‌یافتن به آبهای آزاد خلیج فارس و دریای عمان میدانستند. اساس سیاست خارجی زامداران روسیه در آسیا، بویژه در ایران و خلیج فارس، نشأت گرفته از همین وصیتنامه بود. هر چند گروهی این وصیتنامه را ساختگی دانسته‌اند؛ ولی با نگاهی به سیاست روسها در سده‌های نوزدهم و بیستم میلادی، تردیدی باقی نمی‌ماند که آنها همین وصیتنامه را اساس سیاست خارجی خود قرار داده‌اند، هر چند وصیتنامه ساختگی بوده باشد.

6. Mare Clausam.

7. George Nathaniel Curzon.

درست در همین ایام، ورود روسها را به خلیج فارس گزارش میدهد (حبل‌المتین، ۱۸۹۸ م. / ۱۴ صفر ۱۳۱۶ ه.ق. : ۱۹).

روسیه بعد از تأسیس کنسولگری در بصره، در بین سالهای ۱۸۸۴-۱۸۸۸ م. / ۱۳۰۶-۱۳۰۲ ه.ق. فعالیت خود را در خلیج فارس افزایش داده و آشکارا اقداماتی را در منطقه آغاز کرد. از دید سیاستمداران فرانسوی مجموعه این تحرکات و اقدامات نشان‌دهنده آن بود که روسیه از جنبه بازرگانی-سیاسی در شمال ایران دارای تفوق و برتری قابل ملاحظه‌یی است و درصدد کسب همین نتیجه در جنوب ایران نیز هست. همچنین انگلیسیها از دیدگاه خود، با آنکه از نظر رقابت با محصولات روسی نگرانی نداشتند از این موضوع نگران بودند که روسها، در پشت فعالیت‌های تجاری، در فکر نفوذ سیاسی در منطقه جنوب ایران باشند. نتیجه وقوع این امر، منجر به از دست‌دادن برتری آنها در منطقه خلیج فارس میشد (وادلا، ۲۵۳۶: ۵۰).

اولین نشانه‌های رویکرد روسیه به سیاست راهبردی در خلیج فارس زمانی آشکار شد که یک مهندس روسی مأموریت یافت تا طی مسافرت به نواحی جنوب شرقی ایران، اطلاعاتی در خصوص اوضاع این مناطق برای روسیه تهیه کند (ویلسن، ۱۳۶۶: ۲۹۸). این افسر مهندس روسی که از طریق کرمان و بندرعباس به جزیره هرمز وارد شده بود، دو روز در آنجا توقف کرد و در خلال توقف خود در جزیره، مساحت جزیره هرمز را بدست آورد. پس از بازگشت وی معلوم شد که روسیه قصد دارد یک انبار زغال سنگ و یک پایگاه مخابراتی در جزیره هرمز ایجاد و تأسیس کند (لوریمر، ۱۳۸۸: ۲۳۹) و با این موضوع، علاقه روسها به هرمز مشخص شد (الهی، ۱۳۸۸: ۲۴۱).

با افزایش تلاش روسیه در خلیج فارس، در سال ۱۸۸۷ م. / ۱۳۰۵ ه.ق.، نیز یک افسر روسی به نام **فومن بلومر**<sup>۸</sup> از قفقاز به ایران آمد. او در سفر ناصرالدین‌شاه به اصفهان، شیراز و بوشهر با گروه نقشه‌برداری در خدمت او بود. این افسر روسی از سیاست ضد انگلیسی کشورش آشکارا صحبت میکرد و خواستار همبستگی روسیه و ایران بر علیه انگلستان بود. فون

8. Von Blumer.

راه‌آهن سراسری را برای حمل تجهیزات نظامی برای تقویت این پایگاه در دستور کار خود داشت. علاوه‌برین، روسیه خواستار راهیابی به اقیانوس هند بود تا بتواند توان خود را علیه انگلیس افزایش دهد (لوریمر، ۱۳۸۸: ۲۴۸).

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی و با تشکیل دولت آلمان و فعالیت‌های آنها در منطقه پیرامون خلیج فارس و خاک عثمانی و نیز بروز گروه‌بندی‌های دولتهای اروپایی، فشار بر انگلستان بیش از هر زمان دیگری احساس میشد. روسیه بظاهرشدن در آبهای خلیج فارس و آغاز فعالیت در این آبراه، با اعمال فشار بر انگلستان، این کشور را آماده همکاری در سایر نقاط دنیا میکرد (الهی، ۱۳۸۸: ۲۴۰). بنابراین ضعف روابط ایران و عثمانی، بویژه در منطقه خلیج فارس، فعالیت قدرتهای خارجی، بویژه روسیه را در این منطقه گسترش میداد (همان: ۲۴۱). در همین زمان، اعزام هیئتهای جغرافیایی برای بررسی بهتر مسیر راه‌آهن از روسیه به ایران آغاز شد. این امر، هرگونه شک و شبهه‌یی را در زمینه سیاستهای توسعه‌طلبانه روسها در آبهای خلیج فارس برطرف میکرد (جناب، بی تا: ۱۲۲).

### پیشینه و آغاز حضور روسیه در خلیج فارس

آغاز فعالیت روسها در خلیج فارس به اواخر سده نوزدهم میلادی/چهاردهم هجری قمری میرسد. تأسیس اولین کنسولگری روسیه در حاشیه خلیج فارس به سال ۱۸۸۱ م. / ۱۲۹۹ ه.ق. برمیگردد؛ زمانی که آنها بصره را در گام نخست، جهت توسعه نفوذ خویش در خلیج فارس، بعنوان کنسولگری انتخاب کردند (الهی، ۱۳۸۸: ۲۴۰). سدیدالسلطنه در این مورد مینویسد:

«در اواخر قرن نوزدهم میلادی روسها از راه دریا وارد خلیج فارس شدند، به امید این که در عبور از ایران به اقیانوس هند روند» (سدیدالسلطنه، ۱۳۴۲: ۶۴۸).

از سال ۱۸۸۴ - ۱۸۸۰ م. / ۱۲۶۷-۱۲۶۳ ه.ق. روسیه تلاش کرد تا در منطقه خلیج فارس جای پاییی برای خود باز کند؛ هرچند فقط در سال ۱۸۸۱ م. موفق به ایجاد کنسولگری در بصره شد (لوریمر، ۱۳۸۸: ۲۳۹). روزنامه *حبل‌المتین* هم،

کردند. روسها در این طرح، توسط گروهی از بازرگانان و تولیدکنندگان خود طرح احداث راه آهن بین دریای خزر و خلیج فارس را مطرح کردند و حتی فرانسه حاضر به تأمین اعتبار این پروژه بود. هزینه این طرح مقدماتی با تهیه سیصد میلیون فرانک از بانک فرانسوی تأمین میشد که با مخالفت جدی و صریح انگلستان مواجه و عملی نشد (وثوقی، ۱۳۸۴: ۴۶۷). لوریمر در این مورد مینویسد:

«فعالیت فرانسه در خلیج فارس افزایش یافته است، دلایلی بر وجود سیاست مشترک بین فرانسه و روسیه در برابر مصالح بریتانیا در خاورمیانه است. هرچه از قدرت دو امپراتوری ایران و عثمانی در منطقه کاسته میشود بر رقابتهای دول خارجی در منطقه افزوده میشود» (لوریمر، ۱۳۸۸: ۲۳۹).

بررسی این موضوعات نشان میدهد، روسها اگرچه و بدلائل مختلف نتوانستند در قرون قبل (شانزدهم تا نهمین) نوزدهم میلادی) در خلیج فارس حضور یابند؛ اما انگیزه‌های قوی نیمه دوم قرن نوزدهمی آنها موجب شد تا از هر طریق ممکن، گذشته را جبران نمایند. استفاده از طرحهای از قبل مطرح در ادبیات سیاسی قدرتهای بزرگ در ایران از جمله، نقشه‌برداری؛ وحدت‌نظر و اتحاد سیاسی نظامی با ایران علیه انگلیس؛ استفاده از یک متحد قدرتمند اروپایی و در این اواخر هم، کشیدن راه آهن از شمال به جنوب، اولین نمودهای تجربه جدید روسها در سالهای پایانی قرن نوزدهم میلادی برای حضور مؤثر در خلیج فارس بود.

نکته مهم دیگری که در توجه جدی روسها به خلیج فارس در قرن نوزدهم میلادی حائز اهمیت است، بسته‌شدن راه پیشروی آنها به داخل ایران از ناحیه شرق و غرب دریای خزر بود. بعبارت دیگر، قراردادهای ترکمانچای و آخال، اگرچه مناطق وسیعی از ایران را بصورت دائم از ایران جدا کرد و به قلمرو روسها افزود؛ اما عملاً پایانی بود برای طرح بلندپروازانه آنها برای دستیابی به خلیج فارس از طریق تصرف ایران و رسیدن به این آبراه.

ناتوانی روسها در دستیابی به این آرمان سیاسی، آنها را متمایل بحضور در خلیج فارس از راههای دیگر و با استفاده از

بلومر از دولت ایران خواست تا به اتفاق، علیه حضور انگلستان در خلیج فارس اقدام کنند. در آن زمان، قدرت ایران در حاشیه خلیج فارس و بخصوص بوشهر افزایش یافته بود. وی معتقد بود اگر دو کشور روسیه و ایران در خلیج فارس علیه انگلستان متحد شوند، میتوانند بر سلطه آن کشور در خلیج فارس پایان دهند (لوریمر، ۱۳۸۸: ۲۳۹).

لوریمر در ادامه، مهمترین اتفاقات سالهای مذکور را چنین بیان میکند:

«نفوذ روسیه و معارضات روس و انگلیس در ایران، بارزترین مسئله سیاسی منطقه محسوب میشود که در منطقه خلیج فارس در برابر نفوذ روسها کار جدی صورت نگرفته است. از سال ۱۸۸۴-۱۸۸۰ م. روسیه برای اولین بار در سطح سیاسی در منطقه خلیج فارس نمایان شده است. اولین قدم روشن آنها، تأسیس کنسولگری در بغداد است» (همان: ۲۳۷).

در این زمینه باید گفت در سال ۱۸۹۸ م. / ۱۳۱۶ ه.ق. یکی از صاحب‌منصبان روسی به نام کروگولوف<sup>۹</sup> با اختیارات خاصی به بغداد فرستاده شد تا با وساطت فرانسویها به افتتاح کنسولگری روسیه، که در سال ۱۸۸۶ م. / ۱۳۰۴ ه.ق. تعطیل شده بود، اقدام کند. با همکاری فرانسویها، کنسولگری روسیه در اصفهان هم در همین سال افتتاح شد (جناب، بی‌تا: ۱۱۵)؛ هر چند در اصفهان مقاصد و مصالح دریایی در میان نبود؛ ولی روسیه تلاش میکرد تا راههای صعب‌العبور را که به خلیج فارس منتهی میشد، شناسایی کند (لوریمر، ۱۳۸۸: ۲۳۹). این موضوع بخوبی در مأموریت هیئتهایی که باعنوان «هیئتهای جغرافیایی از سوی روسها» معرفی میشدند و به ایران می‌آمدند، قابل درک است. در واقع از ترکیب این هیئتها، میتوان فهمید که آنها متخصصینی بودند که با اهداف خاصی به کرانه‌های شمالی خلیج فارس می‌آمدند (مشایخی، ۱۳۸۶: ۲۱۹).

در همین ایام، فعالیت و همکاریهای مشترک فرانسویها با روسها علیه انگلستان در خلیج فارس قوت یافت. آنها در سال ۱۸۸۸ م. / ۱۳۰۶ ه.ق. طرح همکاری مشترکی را مطرح

9. I.Crogolof.



آن شهر شیوع زیادی نداشت. واضح بود که مرکز توجه او هرمز است؛ زیرا روسها برای حضور در هرمز علاقه‌ی خاصی نشان میدادند (جناب، بی تا: ۱۲۱).

در سال ۱۸۹۸ م. / ۱۳۱۶ ه. ق. سه پزشک روسی دیگر بنامهای کورناچفسکی<sup>۱۲</sup> و رودویچ<sup>۱۳</sup> و پاچکونسکی<sup>۱۴</sup> وارد بوشهر شدند و به پزشکان قبلی ملحق شدند (لوریمر، ۱۳۸۸: ۲۳۹).

در ۱۸۹۹ م. / ۱۳۱۶ ه. ق. پزشک دیگری بنام شوانوویکی<sup>۱۵</sup> در شهر بوشهر شروع بکارکرد. این پزشک با عنوان دکتر شیوانسکی نیز معرفی شده است (سدیدالسلطنه، ۱۳۴۲: ۶۴۹). وی بومیان منطقه را بطور رایگان مداوا میکرد و در همین حال از اوضاع محلی آنان تحقیقاتی بعمل می آورد. وی پس از اتمام مأموریتش به روسیه بازگشت (وادلا، ۲۵۳۶: ۵۳).

حضور این پزشکان در بندر بوشهر در بین سالهای ۱۸۹۹-۱۸۹۷ م. / ۱۳۱۷-۱۳۱۵ ه. ق. باعث شد تا آن بندر بصورت عمده‌ترین مرکز فعالیت روسها در منطقه خلیج فارس درآید. حضور پزشکان روسی در بوشهر انگیزه اصلی سفارت روسیه در تهران، برای تأسیس یک سرکنسولگری در این شهر بود (مشایخی، ۱۳۸۶: ۲۱۷). به همین منظور، سفارت روسیه در تهران مصمم شد تا یک کنسولگری در بندر بوشهر تأسیس و از نیروهای قزاق جهت حفاظت از آنها استفاده کند (ویلسن، ۱۳۶۶: ۲۹۸).

همانطور که گفته شد، سفیر روسیه در تهران از دولت مرکزی خواست که مبارزه با طاعون را به پزشکان روسی واگذار کند. همچنین ایجاد یک قرنطینه، دورتا دور شهر بوشهر از دیگر خواسته‌های روسها بود؛ ولی این درخواست مورد موافقت دولت ایران قرار نگرفت و آنها در نهایت توانستند، این قرنطینه را با کمک نیروهای قزاق در سیستان ایجادکنند

ادبیات و شیوه‌های سیاسی کهنه کرد. این ادبیات به تنهایی نمیتوانست مشکل آنها را حل کند. بنابراین شیوه‌های دیگری را در این مقطع تجربه کردند که حداقل زمینه حضور و ماندگاری آنها را در خلیج فارس، بیش از پیش یاری میکرد. مهمترین این شیوه‌ها، بهانه کمکهای پزشکی به بیماران و طاعون‌زدگان ساکنین پیرامون خلیج فارس، ایجاد بندرگاه اختصاصی و موارد مشابه دیگر بود که در ادامه به آنها پرداخته میشود.

### حضور پزشکان روسی در حاشیه شمالی خلیج فارس به بهانه مبارزه با طاعون

در سال ۱۸۹۶ م. / ۱۳۱۴ ه. ق. طاعون در هند گسترش یافت. این مسئله، بهانه‌ی جدید برای دخالت و حضور روسیه در امور خلیج فارس شد. حضوری که در ادامه، به تأسیس سرکنسولگری در بوشهر منجر شد (مشایخی، ۱۳۸۶: ۲۱۷). به همین منظور و بتدریج پزشکان روسی به ایران اعزام شدند.

این عده، فعالیت گسترده‌ی را در خصوص مطالعه طاعون شروع و از شهرهای بندرعباس و بصره هم دیدن کردند؛ زیرا موج خفیفی از بیماری طاعون در این شهرها هم، دیده میشد. این گروهها مدت زیادی در مناطق مذکور حضور نداشتند؛ زیرا مبارزه با طاعون از سوی حکومت مرکزی ایران به دولت بریتانیا واگذار شده بود. به همین دلیل زمانی که سفیر روسیه در تهران طی یادداشتی به دولت ایران پیشنهاد داد تا دور تا دور بوشهر یک حصار قرنطینه ایجاد شود، با مخالفت ایران مواجه شد (لوریمر، ۱۳۸۸: ۲۳۹).

در سال ۱۸۹۷ م. / ۱۳۱۵ ه. ق. دولت روسیه گروههای پزشکی آگاه بمسائل ایران را راهی خلیج فارس کرد. اولین پزشک روسی که وارد ایران شد، اوست<sup>۱۰</sup> نام داشت. بعد از آن، پزشک دیگری بنام میر<sup>۱۱</sup> با یک هیئت دیپلماسی وارد تهران شد. میر که پزشک مخصوص هیئت دیپلماسی روسیه بود، خواستار مطالعه طاعون در بوشهر بود؛ در حالی که بیماری در

12. Kurnachofskiy.

13. Rodzewits.

14. Paschkwonoski.

15. Chevanowky.

10. Oust.

11. Mare.

حافظ‌الصحه پطرزبورگ، طبیبی «پاش کفسکی نام» مأموریت یافته که در ولایات و آبادیهای واقع در سواحل دریای عمان و آن حول و حوش، استکشافات طبی نماید. لذا از جناب مستطاب متمنی است که به ولایات بحر عمان و آن نواحی به هر کس لازم میدانند: احکام در مساعدت با طبیب مشارالیه در انجام مقصود و مأموریت او بعمل آورده، لدی الضروره از او جانبداری نمایند و از صدور احکام مزبوره دوستدار را مستحضر و احترامات فائقه را قبول نمایند» (همانجا).

بررسی این فعالیت روسها نشان میدهد که اگرچه بهانه آنها شائبه‌یی بدنبال نباید داشته باشد و این اقدام آنها را میتوان یک اقدام انسان‌دوستانه و متأثر از حس نوع‌دوستی دانست؛ ولی فضای رقابتی موجود برای دستیابی به خلیج فارس و یا جلوگیری از دست‌اندازی به این محدوده از سوی دولتهای بزرگ اروپایی، موجب شد تا این اقدام نیز با تردید و شک دیده شود، نگاهی که بی‌ارتباط با عملکرد روسها هم نبود.

### تأسیس بندرگاه، بوسیله روسیه در خلیج فارس (اواخر قرن نوزدهم میلادی)

روسها، در سالهای پایانی قرن نوزدهم میلادی همزمان با سایر فعالیتهای برای توسعه نفوذ خود در منطقه، درصدد ایجاد یک پایگاه دریایی در خلیج فارس برآمدند. بنظر میرسد هدف روسها از ایجاد این پایگاه، نه تنها میخواستند آنجا را بعنوان یک پایگاه دریایی در نظر داشته باشند؛ بلکه احتمالاً طرحهایی را نیز برای اتصال راه آهن سراسری روسیه به این پایگاه دریایی، تهیه کرده بودند (جناب، بی تا: ۱۲۱). همچنین اجرای این طرح میتوانست منافع پایدار روسها را در منطقه تأمین کند. بنابراین برای ایجاد زمینه‌های مناسبتر جهت نفوذ سیاسی در ایران و خلیج فارس، این تصمیم میتوانست نتایج مؤثری بدنبال داشته باشد. در سال ۱۸۹۸م. / ۱۳۱۷ه.ق. طرح استراتژیک استقرار یک بندرگاه روسی در خلیج فارس در بغداد مورد بررسی قرار گرفت. این اقدامات نوعی سیاستهای راهبردی روسیه در خلیج فارس را نشان میدهد. در واقع اولین نشانه‌های توجه روسها به سیاست راهبردی در خلیج فارس از زمانی آغاز شد که یک نفر مهندس کارشناس روسی مأموریت یافت تا از طریق کرمان عازم بندرعباس شده و گزارش جامعی

(لوریمر، ۱۳۸۸: ۲۴۰). همچنین از اسناد ایرانی، استنباط میشود که مسئولان ایرانی هم از زیادی قشون روس با این بهانه جدید، در حواشی خلیج فارس نگران بوده‌اند. شاهد این امر، تلگراف آصف‌الدوله به وزیر امور خارجه است. در تلگراف آصف‌الدوله از مشهد به وزیر امور خارجه آمده است:

«خدمت ذی شرافت آقای علاء‌السلطنه وزیر امور خارجه ایران دام اقبال العالی: ابهام در مأموریت یکصد نفر سوار قزاق در سرحدات خراسان در باب یکصدنفر سوار قزاق که از رکاب مبارک مأمور قرانتینه سرحدات خراسان شده‌اند، مرقوم فرموده‌اند، موافق تلگرافی که از سرحد دار سیستان رسیده، معلوم نیست آنها به چه حکم در این نقاط توقف کرده‌اند. اصلاً مأموریت آنها را بنده مطلع نیستم؛ اما مقصود سرحد دار سیستان این است که این یکصد نفر سوار قزاق، حالا در این حدود افغانستان قرانتینه لازم نیست، به سیستان رفته در آنجا مشغول خدمت باشند؛ البته سوار قزاق که تربیت شده‌اند، در سرحد سیستان باشند، خیلی بهتر از سوار ولایتی است. خاصه این اوقات لازم است یک دسته سوار منظم در آنجا مأمور باشد. آصف‌الدوله

[حاشیه]: این قزاقها برای جلوگیری ناخوشی طاعون و عابری که از سیستان به خراسان آمد و شد مینمایند، مأمور شده‌اند. جنابان مستشارالسلطنه و مفتاح‌السلطنه مسبوق هستند، تلگرافها حکامی که صادر شده است، پیش آنها در دفتری مرجوع اگر بشود، معلوم خواهد شد، حالا اگر دیگر در آنجا کاری ندارند، پنجاه و سه نفر پست بدهند. باقی مراجعت نمایند. درست دقت شود از روی تحقیق باشد» (قاضیها، ۱۳۸۰: ۳۰۱).

سند دیگری در این مورد موجود است که بیانگر حضور روسها در خلیج فارس ببهانه مبارزه با طاعون است و نشان‌دهنده اهمیت موضوع برای روسهاست. در این سند با عنوان «اعزام طبیبی از مجلس حافظ‌الصحه پطرزبورگ جهت استکشافات طبی در سواحل عمان» آمده است:

«جناب مستطاب اجل اکرم، از قراری از وزارت جلیله دولت اعلیحضرت امپراطوری خیر رسیده از جانب مجلس

حقیقت در آن سال کنت کپنسیت روسی، از باب‌عالی تقاضا نمود تا امتیاز تأسیس راه‌آهن را از تریپولی در سوریه به کویت در خلیج فارس دریافت کند. در اصل هدف آنها ایجاد راه‌آهنی بود که نقطه پایانی آن به بندرگاهی در خلیج فارس برسد که به احتمال زیاد این بندر، چابهار بود. در راستای این امر، روسیه نمایندگانی تحت عنوان گروه‌های جغرافیایی برای بررسی بهتر راه‌آهن از روسیه به ایران گسیل داشت. بدین ترتیب هرگونه شک و شبهه‌ی در زمینه سیاستهای توسعه طلبانه روسها در آبهای خلیج فارس برطرف میشد (الهی، ۱۳۸۸: ۲۴۱-۲۴۲).

در ماه مارس ۱۸۹۹م. روزنامه ثروت در قسطنطنیه نوشت:

«روسیه قصد دارد بر جزیره قشم مستولی شود» (لوریمر، ۱۳۸۸: ۲۴۸).

اگرچه طرح احداث راه‌آهن میتوانست قفقاز را از بهترین راه ممکن به خلیج فارس برساند؛ ولی بدلیل مخالفت انگلیسیها و اظهار عقیده مخالف بعضی از گروههای اعزامی به نتیجه نرسید (مشایخی، ۱۳۸۶: ۲۲۰)؛ اما این موضوع زنگ خطری بود که انگلیس نمیتوانست از آن غافل بماند.

این نوع اقدامات روسها در اواخر قرن نوزدهم میلادی در خلیج فارس نگرانی دولت انگلستان را دو چندان میکرد؛ چرا که آنها اصرار زیادی در تثبیت موقعیت خود در منطقه داشتند. علاوه برین، فرصت طلبی روسها از گرفتاری انگلیس در جنوب آفریقا و درگیریهایش با «بوئرها»<sup>۱۷</sup> را نباید در پافشاری آنها در ورود به خلیج فارس از نظر دور داشت (مشایخی، ۱۳۸۶: ۲۲۶). با شروع قرن بیستم میلادی و افزایش اقدامات روسها در خلیج فارس نگرانی انگلیس هم دو چندان شد. بعبارت

۱۷. Boer به مهاجرین هلندی یا اعقاب هلندیهای ساکن، در آفریقای جنوبی گفته میشود که از نیمه دوم قرن هفدهم میلادی به این منطقه مهاجرت کردند. این عده همراه با دیگر اروپاییان مهاجر به این سرزمین، جمعیت ۶۰ درصدی سفید پوستان آفریقای جنوبی را تشکیل میدهند. «بوئرها» در ابتدا کشاورز بودند؛ اما بعداً به شهرنشینی روی آوردند. انگلستان بدنبال سیاست استعمارگری خود در اواخر قرن نوزدهم میلادی با این عده نیز درگیر شد که موفقیتی نیز بدست نیاورد.

از اوضاع هرمز و موقعیت سوق‌الجیشی آن، برای زمامداران روسی تهیه کند. بعد از مراجعت این مهندس، قصد روسها مبنی بر ایجاد یک پایگاه مخابراتی در جزیره هرمز افشا شد (مشایخی، ۱۳۸۶: ۲۱۶). در این مورد فرامین لازم به کنسول جدید روسیه در بغداد هم داده شده بود. هدف اصلی روسیه، ایجاد راه آهن تا خلیج فارس بود. این نظر در حقیقت از جانب کنت کپنسیت<sup>۱۶</sup> از اشراف زاده‌های روسی ارائه شده بود؛ زیرا وی خواهان امتیاز یک خط آهن از تریپولی در سوریه تا کویت بود. این امر بیانگر اهمیت کویت برای روسها بود (لوریمر، ۱۳۸۸: ۲۴۰).

روزنامه حبل‌المتین در همین زمان در این مورد نوشته است:

«اخبارات انگلیس اینک متوجه سواحل خلیج فارس شده است، میگویند دولت روس مستعد است تا راه آهن صوبه قفقازیه را وصل کند به خلیج فارس و بندرعباس، مقصد دولت روس در این امر چند مسئله سیاسی است که یکی از آنها رواج تجارت رکودی اوست در سواحل فارس. دور نیست که روسیان، بندرعباس و تبریز دولت ایران را بدوستی گرفته، مسئله بزرگی بجهت دولت انگلیس نمایند. پس دولت انگلیس باید بندر معتبری حاصل کند، تا وقتی رقیب رسید، بتواند با او مقابله نماید (حبل‌المتین، ۱۸۹۸م. / ۱۳۱۶ ه. ق: ۱۹).

روزنامه روسی چاپ پترزبورگ که سردبیر آن از شاهدگان تزاری بود نیز در مقاله‌ی به این نکته اشاره کرده است:

«روسیه یکی از جزایر و بنادر ایران را در خلیج فارس، بعنوان نقطه پایانی راه‌آهن سراسری خود معرفی نموده است که احتمالاً به چابهار متصل میگردد» (جناب، بی تا: ۱۲۱).

در سال ۱۸۹۸ م. / ۱۳۱۶ ه. ق. یکی از صاحب‌منصبان روسی بنام کروگولوف با اختیارات خاصی به بغداد فرستاده شد تا با وساطت فرانسویها به افتتاح کنسولگری روسیه اقدام کند. این کار با همکاری و یاری فرانسویها انجام شد. پس از تأسیس کنسولگری، طرحی در بغداد ارائه شد که این طرح درباره استقرار یک بندرگاه متعلق به روسیه، در خلیج فارس بود. در

16. Kapensit.



نفوذ خود کرده و به اعتراضات ایران نیز توجه نکردند. هرچند این توافق و قرارداد، همچنان مورد نفرت ایرانیان است.

### نتیجه‌گیری

روسها بعد از فائق آمدن بر مشکلات داخلی خود، با تأخیر نسبت به رقبا، خود را به خلیج فارس رساندند و سرعت توانستند، بنیروی اثرگذار در معادلات این آبراه و کناره‌های آن، بویژه کناره‌های شمالی آن تبدیل شوند. روسها اگرچه در اواخر قرن نوزدهم میلادی به معادلات این منطقه وارد شدند؛ اما توانستند با استفاده از شرایط ویژه و خاص و برغم تکراری بودن برخی از این شرایط، یک رقیب جدی برای انگلیسیها در این آبراه بشمار آیند. روسها نیز، مانند دولتهای دیگر با سهم‌خواهی در تجارت خلیج فارس، حضور خود را در این منطقه آغاز کردند؛ اما این سهم‌خواهی قدرت چانه‌زنی آنها را در معادلات نیمه اول قرن بیستم میلادی در مقابل انگلیس بالا برد و با استفاده از شیوه‌های سنتی و با استفاده از شرایط جدید موفق شدند، در توافقه‌های دهه اول قرن بیستم میلادی رکن ثابت و مؤثر و سهم‌بری شناخته شوند. کشتیهای روسی؛ پزشکان این کشور و نیز نمایندگان سیاسی آنها در ایران، همگی تسهیل‌کننده حضور روسها در خلیج فارس، در قرن نوزدهم میلادی محسوب میشوند؛ ولی نباید فراموش کرد که عدم حضور مؤثر و کارآمد یک ایران قدرتمند نیز در این آبراه، دلیل مضاعفی بر تبیین و تحلیل حضور موفقیت‌آمیز روسها و البته دیگر دولتهای قدرتمند در این خطه آبی بود.

دیگر، اقدامات روسها در خلیج فارس برغم کم‌اثر بودنشان در آن شرایط و مقطع زمانی، در یک فاصله کمتر از دو دهه، آثار و نتایج خود را نشان داد. در واقع دولت روسیه، علاوه‌برین که گذشته را جبران کرد، توانست جایی هم برای آینده خود در خلیج فارس پیدا کند. همین موفقیت‌های روسها، زمینه کامیابیهای آنها را در دو دهه اول قرن بیستم میلادی در مسائل مربوط به این آبراه و سایر مسائل جهانی، بین آنها و انگلستان فراهم کرد. شاهد این ادعا، افزایش تعداد قابل توجه کشتیهای روسی بود که در این آبراه در تردد بودند. سدیدالسلطنه مدعی است که از سال ۱۹۱۴-۱۹۰۳ م. / ۱۳۳۲-۱۳۲۱ ه.ق. ۶۰ کشتی تجاری روسی به خلیج فارس وارد شده است (سدیدالسلطنه، ۱۳۴۲: ۶۵۱).

این واقعیت تاریخی را نمیتوان پوشیده گذاشت که پاشنه آشیل و نقطه حساس انگلیس در منطقه خاورمیانه در آستانه جنگ اول جهانی، موقعیت خود و رقبایش در میزان تسلط بر خلیج فارس بود. اگرچه روسها در این مقطع تاریخی و در مسائل داخلی ایران، یعنی نهضت بزرگ عدالت‌طلبی و مشروطه‌خواهی مردم ایران، خود را رو در روی این ملت قرار دادند و با آن مخالفت کردند؛ اما زمانی که مسائل مربوط به خلیج فارس پیش آمد، براحتی با رقبای خود در موضوع مسائل ایران و از جمله، خلیج فارس کنار آمدند؛ کاری که انگلیسیها هم از آن استقبال کردند.

ضرورت مقابله با قدرت روزافزون آلمان، بخصوص نفوذ آن کشور در بالکان و عثمانی، موجب شد تا رقبای این دولت؛ یعنی روسیه، انگلستان و فرانسه برای رفع اختلافات دیرینه خود اقدام نمایند. نتیجه نهایی این تصمیم، امضای قراردادهایی بین این سه دولت، بویژه روسیه و انگلستان بود. یکی از این قراردادها بطور مشخص بین این دو دولت، برای رفع اختلافاتشان در مورد ایران بود که در اوت سال ۱۹۰۷ م. / ۱۳۲۵ ه.ق. منعقد شد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۷: ۳۲۰). بر اساس این قرارداد، ایران به سه منطقه نفوذ روسیه، منطقه نفوذ انگلستان و منطقه بی‌طرف متعلق به ایران تقسیم شد. مدتی بعد، این دو دولت از ضعف دولت ایران استفاده کرده و بتدریج شروع به اجرای مفاد قرارداد موردنظر و اشغال مناطق

## منابع

### کتاب

- الهی، همایون؛ خلیج فارس و مسائل آن، تهران: قومس، ۱۳۸۸.
- جناب، محمدعلی؛ خلیج فارس نفوذ بیگانگان و رویدادهای سیاسی (۱۹۰۰-۱۸۷۵ م)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، بی تا.
- حسن‌نیا، محمد؛ ططری، علی؛ قرارداد ۱۹۰۷ به روایت اسناد وزارت امور خارجه، تهران: خانه کتاب، ۱۳۸۷.
- سدیدالسلطنه کبابی، محمد علی ابن احمد؛ اعلام الناس فی احوال بندرعباس (بندرعباس و خلیج فارس)، بتصحیح احمد اقتداری، تهران: ابن سینا، چاپ دوم، ۱۳۴۲.
- قاضیها، فاطمه؛ اسناد در روابط ایران و روسیه از دوره ناصرالدین شاه تا سقوط قاجاریه، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۰.
- کرزن، جرج. ن؛ ایران و قضیه ایران، ترجمه وحید مازندرانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.
- لوریمر، جان گوردون؛ وقایع‌نگاری خلیج فارس، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۸.
- مشایخی، عبدالکریم؛ روابط سیاسی و اقتصادی ایران و اروپا در سالهای ۱۳۳۹-۱۳۰۸ ه. ق. / ۱۹۲۰-۱۸۹۰ م، تهران: مؤسسه تاریخ معاصر ایران و بنیاد ایران‌شناسی شعبه استان بوشهر، ۱۳۸۶.
- وادلا، ر؛ خلیج فارس در عصر استعمار، ترجمه شفیع جوادی، تهران: سحاب، ۲۵۳۶.
- وثوقی، محمدباقر؛ تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، تهران: سمت، ۱۳۸۴.
- ورهرام، غلامرضا؛ نظام سیاسی و سازمانهای اجتماعی ایران در عصر قاجار، تهران: انتشارات معین، ۱۳۸۵.
- ویلسن، آرنولد تالبوت؛ سفرنامه، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران: وحید، ۱۳۶۶.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا؛ تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷.

### روزنامه

- روزنامه حبل المتین، سال پنجم و ششم، شماره‌های ۳۸ و ۳، سال ۱۳۱۶.